

کفت وگو

دانشجو و چالش‌های سه‌گانه

بعضی دانشگاه را عرصه آرمانگرایی می‌دانند، چرا که در آن تعلق جز آرمان‌های بشری اگر هم باشد، کم‌رنگ و ناچیز است. دانشجو در آن محیط خود را در معرض واقعیت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و علمی پیدا می‌کند. گویی هر آنچه هست به فراسط دریافت و تبیین‌هایش را برتافته پس فریادی اگر هست از سر برتافتن تبیین‌هایش است. گروهی نیز آسیب‌دانشگاه را این می‌دانند که آرمانگر است. از این رو واقعیت را در حد و اندازه خود نمی‌بیند و پس از اتمام این دوره کوتاه در نظر دانشجو، هیچ نهادی مطلوب نیست. گاهی مشکل اصلی را دانشگاه می‌دانند که دچار ضعف در آموزش روشن است. گاهی «مکتب» درس، خانواده، فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، دانشجویانی را که دغدغه اجتماعی دارند در خود می‌پسند. از یکسو نیازی که ایران امروز به تخصص و دانش اندوزی دارد و از سوی دیگر خانواده محل اجتماعی-سیاسی دانشجو را که پرهزینه‌تر است به چالش می‌کشد. جمع‌آوری تجربه‌های دانشجویان فعال امروز و دیروز شاید بتواند به تأمل در این مسائل کمک کند. احمد هاشمی، دانشجوی فعال دیروز اقتصاد دانشگاه تهران و حسینی و صادقی دانشجویان فعال امروز دانشگاه میهن این شماره نشریه چشم‌انداز ایران هستند. تلاش من بر این بود که بیشتر اختیار سخن به دست خودشان باشد تا سوال، چرا که در ده‌های مشترک عین‌شان هدایت بهتری به جهت گفت‌وگو می‌داد. باید اعتراف کنم که در آخر بحث من در پی پاسخ آنها کشیده می‌شدم و شور و شوق و تسلطشان در پاسخ مرا که فرار بود مصاحبه‌کننده و جهت‌دهنده باشم مغلوب کرد. مهدی فخرزاده

در درون دانشگاه است و این تنها نهادی است که هنوز هم می‌تواند کارهای سیاسی-اجتماعی انجام دهد، اما از این کارایی، امروز استفاده نمی‌شود، زیرا اگر سری به دانشگاه‌های بزرگ تهران بزنیم درمی‌یابیم بسیاری از دانشجویان دغدغه‌هایی متفاوت از ۷۰-۸۰ درصد قشر ضعیف و متوسط جامعه دارند.

هاشمی: به نظر من بر این مثلث یک مفهوم بزرگ سایه انداخته که تمام آن سه حوزه را در برمی‌گیرد و آن مفهوم زندگی است. مفهومی که گریزی از آن نیست. دانشجو در سایه زندگی، پس از دانشگاه با کار پیوند می‌خورد. این پیوند به او ایده فعالیت اجتماعی می‌دهد و ممکن است این فعالیت اجتماعی تبعات سیاسی داشته باشد، اما نباید انتظار داشت دانشجو، سیاسی به معنای حزبی باشد. حل مسئله قدرت برعهده دانشگاه نیست. باید توجه داشت امروزه مسئله اصلی دانشگاه حل تضاد مبارزه، درس و خانواده نیست، بلکه مثلث اصلی که دانشجو را در معرض قرار داده است مثلث اعتیاد، درس و خانواده است. شاید کار - که بل میان خانواده و درس است - بتواند تأثیر کوچکی بر این وضعیت بگذارد. هرچند این هم کوچک است.

به سیاست از منظر ویژگی ضدظلم انسان است. شرایط سنی دانشجو نیز حس جست‌وجوگری را در او تقویت می‌کند، اما این ویژگی هر سال در دانشجویان رو به افول است.

چرا این ویژگی را رو به افول می‌دانید؟

صادقی: یک وجه آن بحران‌های اجتماعی-سیاسی موجود است. نسل حاضر بسیار پربحران است و این بحران‌ها این نسل را دچار افول جدی کرده است. از سویی نظام آموزشی ما دچار ثبات (Fixism) است. این نظام، انسان را بی‌نیاز به عمیق‌شدن و پژوهش و همچنین بی‌نیاز از جمع و فردی بار می‌آورد و فطرت ضدظلم دانشجو در برابر محیط و آموزش رو به افول می‌رود. در عرصه سیاست، دانشجو باید از حوزه‌های مرتبط با آینده‌اش آغاز کند. همچنین پیگیر جدی خواسته‌های صنفی‌اش باشد. خواسته‌های صنفی،

حسینی: سیاسی شدن دانشجو، پاسخی به فطرت ضدظلم و حق طلب اوست

بهر است از این پرسش شروع کنیم که اصلاً چه نسبتی میان دانشجو و سیاست وجود دارد؟

حسینی: همه انسان‌ها فطرتاً و ذاتاً ضد ظلم هستند. این موضوع در دانشجویان به خاطر عدم وجود تعلقات مادی‌شان نمود بیشتری دارد. در نتیجه طبیعی است دانشجو نقش بیشتری در پیگیری مطالبات سیاسی-اجتماعی خود داشته باشد. سیاسی‌شدن دانشجو، پاسخی به فطرت ضدظلم و حق طلب اوست. در بعضی کشورها، فضای بازتری برای پیگیری مطالبات وجود دارد، اما در ایران کار مشکل‌تر است. در نتیجه بار بیشتری بر زمین می‌ماند که دانشجویان محمل آن می‌شوند. در نتیجه این نقش، پشتنازی جامعه برعهده دانشگاه قرار می‌گیرد که لازمه آن آرمانگرایی است. این آرمانگرایی از احتمال قرارگرفتن دانشجو به‌عنوان عنصر صنفی فعال در جایگاه خود می‌کاهد، اما به‌عنوان ضرورتی جلوه می‌کند که از این واسطه میان واقعیت جامعه و آرمانگرایی گریزی نیست. در واقع از یک‌سو نسبت میان دانشجو و سیاست نسبتی مبتنی بر آرمانگرایی دانشجو و از سوی دیگر آسیب آن عدم سخت این آرمانگرایی با واقعیت است.

صادقی: من هم معتمد موضع دانشجو نسبت

من زمانی فکر می کردم قرار است دنیا را تغییر دهم، اما امروز می دانم که هنوز جایگاه جدی خود را نمی دانم، یعنی وزن و مسئولیت اجتماعی ام را نمی دانم.

شما معتقدید دانشجویان باید پیگیر مسائل صنفی و مرتبط با رشته خودش باشند. یکی از مبارزان پیش از انقلاب که رشته اش نفت بوده می گوید من از وضعیت نفت مملکت به مبارزه سیاسی رسیدم، اما اطراف ما بسیاریند کسانی که با رشته خود ارتباط جدی دارند و نسبت به همه چیز بی تفاوتند. آیا نسبت خاصی میان درس و فعل اجتماعی وجود دارد؟

هاشمی: باید به نسبت فعالیت اجتماعی و درس اندیشید، اما نباید شعار داد. باید کار کرد. کار، انسان را اجتماعی و عینی تر می کند، اما آرمانگرایی و مطلق گرایی انسان را به سر خوردگی می کشاند. **حسینی:** حدود ۱۰ درصد دانشجویان فعال اجتماعی، سیاسی اند و بقیه هیچ حساسیتی ندارند. باید به آن ۹۰ درصد گفت که اگر قصد داری روزی از رشته ات استفاده کنی باید بدانی این استفاده موانعی جدی بر سر راه خود دارد، مثلاً اقتصاد نفتی و غیرمولد است و کسی که رشته اش فنی است را به کارمند تبدیل می کند. پس باید حساسیت صنفی و حقوق صنفی را جدی تر پیگیری کنیم. این برای خانواده ها ملموس است. آنها می دانند کسی که سال ها درس خوانده و حالا برایش مانع تراشی می کنند حق دفاع دارد. پس به او حق نسبی می دهند که پیگیر حقوق صنفی اش باشد، زیرا این آرمان برای آنها ملموس و با زندگی شان مرتبط است.

هاشمی: نباید انتظار داشت همه سیاسی شوند. تجربه ۱۸ تیر ۱۳۷۸ نشان داد که سیاست گرایی محض به انفعال می انجامد.

حسینی: هیچ کس انتظار فعال بودن افراد در تمام جوانب را ندارد. به نظر من، حداقل هر کس باید با مسائل صنفی خود برخورد جدی داشته باشد. قرار نیست کادر همه جانبه تربیت کنیم. نتیجه نگاه همه یا هیچ به نظر من به اینجا می انجامد که ما دیگر دکتر و مهندس خوب هم نداریم، اگر هم باشد نگاهش به بیرون مرزهاست و دنبال زندگی در خارج از کشور است.

مانع میان دانشگاه و جامعه چیست که دانشگاه نسبت به جامعه عینی نمی شود؟

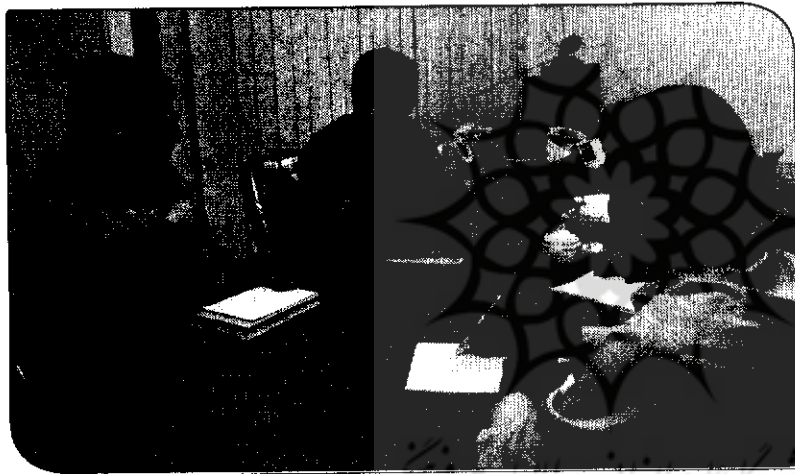
صادقی: لمس و اصطکاک دانشجویان امروز با جامعه کم است. دوره های کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکترای انتزاعی و معمولاً غیر اجتماعی است. ما فیلمی در دانشگاه تهیه کردیم و از دانشجویان فنی که فعال سیاسی بودند می پرسیدیم اگر مهندسی نمی خواندند چه رشته ای می خواندند؟ معمولاً رشته های انسانی را در پاسخ می شنیدیم.

این نشان می دهد کسی که دید اجتماعی دارد، نمی تواند رابطه رشته های مهندسی با اصلاح جامعه را بداند. والدین مانصیحت می کنند که بروید دانشگاه و درستان را بخوانید تا به جامعه خدمت کنید، اما به ظاهر نمی شود این نصیحت را عینیت بخشید.

هاشمی: چرا می شود. شعار کوچک، هزینه کار را پایین می آورد. شعارهای بزرگ باعث می شود گروه زیادی از دانشجویان از قافله فعل اجتماعی عقب بمانند. دوم خرداد ثابت کرد حتی موج ۲۰ میلیونی هم به دموکراسی نمی انجامد، بلکه باید اصناف را جدی گرفت. باید شعار کوچک داد تا همه حداقلی از آموزش را ببینند و بتوانند در آینده مفید واقع شوند. ما نسبت به سال های پیش عقب مانده تر شده ایم، چون هر روز در اثر انفعال، هزینه ها بالاتر می رود. ازسویی فشارها بیشتر می شود. وقتی ما سقف خواسته هایمان را مطرح

کنیم و همه چیز معطوف به قدرت شود، کسی حاضر نیست هزینه بدهد. در نتیجه همواره در جا می زنیم. حالت ایدئال و مطلوب، دانشگاه فعال و جدی است، اما وقتی می توان به حداقل ها دست یافت نباید آن را از دست داد. در حال حاضر استاد ۶۰ ساله دانشگاه نمی تواند راحت اظهار نظر کند چه رسد به دانشجویان. ازسویی چند درصد از دانشجویان فعال در زندان بر سر آرمان های خود ایستاده اند؟

حسینی: به نظر من هم نقدهایی به نسل ما وارد است. نسل ما جدیت ندارد، حتی در کلاس درس جدی نیست. نسل پیش، هم درس می خواند و هم مبارزه می کرد، اما نسل ما در هیچ یک از این دو مورد جدی نیست. این عدم جدیت، خانواده ها را هم بدبین می کند. آنها اگر ببینند دانشجویان نسبت به حقوق خود حساسند احساس همدردی می کنند، اما به شرط جدیت. ازسویی خانواده ها



عکس: بهاره اصلی

فکر می کنند دانشجویان در این فضا ضربه می خورند. باید در این مورد برای خانواده تبیین داشت و توضیح داد. ضمن آن که خانواده ها برخی الگوهای ملی مانند دکتر مصدق و... را قبول دارند. می توان به آنها توضیح داد اگر مصدق و طالقانی فعال نبودند جامعه به مسیر درستی نمی رفت، پس باید نسبت به مسائل ملی حساس بود.

چرا کارگر یا معلم به خاطر مسائل صنفی خود هر هزینه ای می دهد، ولی دانشجویان این گونه نیست و همان جدیتی که شما می گوئید ندارند؟ آیا مشکل نسلی است؟

صادقی: بخشی از این مشکل، نسلی است، اما بخشی هم ناشی از این می شود که دانشجویان اصطکاک کمی که کارگر یا معلم با مسئله صنفی خود دارد را ندارند. معمولاً دانشجویان از منظر ویژگی حق طلبانه اش با مسائل برخورد می کند. شاید حتی که در ذهن دانشجویان بسیار آنچه در ذهن

صادقی: شرایط سنی دانشجویان نیز حس جست و جویی را در او تقویت می کند، اما این ویژگی هر سال در دانشجویان رو به افول است

هاشمی: امروزه مسئله اصلی دانشگاه حل تضاد مبارزه، درس و خانواده نیست، بلکه مثلث اصلی که دانشجویان را در معرض قرار داده است مثلث اعتیاد، درس و خانواده است

کارگرسر متفاوت باشد. دانشجو از یک حق عمومی دم می‌زند، اما کارگرسر منافع صنفی‌اش را پی می‌گیرد. البته باز هم می‌گویم این مسئله یک وجه نسلی هم دارد. مثلاً در یکی از دانشگاه‌های بزرگ ۲۰۰ میلیون تومان از بودجه دانشگاه مفقود شد و رئیس دانشگاه با صراحت در مقابل دبیر شورای صنفی می‌گفت به شما ربطی ندارد. هیچ اتفاقی نیفتاد. وقتی دبیر شورای صنفی این مسئله را با دانشجویان در میان گذاشت، آنها با تعجب نگاه می‌کردند. واکنش دانشجویان تنها تعجب بود!

حسینی: این موضوع به آستانه تحمل مربوط است. آن کارگر یا معلم یا پرستار به آستانه تحمل خود رسیده‌اند و دانشجو نه.

هاشمی: دانشجو با توجه به شرایط سنی و این که از یک محیط بسته وارد محیط باز می‌شود تصور انتزاعی از مسائل دارد. همین باعث توجه غیردقیق به مسائل اجتماعی و صنفی می‌شود.

تجربه خود شما در حل بحران مثلث درس، خانواده و فعالیت اجتماعی - سیاسی چیست؟ چگونه می‌توان راندمان بهتری با این وضعیت داشت؟

حسینی: الگوی من در این مورد مهندس بازرگان است. مؤسسه‌های کاری مهندس بازرگان هم نیروهای مبارز را باری می‌کرد و هم یک نهاد مهندسی بود. بازرگان این شیوه را از خود به یادگار گذاشت. خود من هم ضمن این که چنین شیوه‌ای را الگو قرار داده‌ام، به خانواده هم فکر می‌کنم و سعی می‌کنم به آنها هم با تمسک به همان الگوهای ملی توضیح دهم، ضمن این که برایشان وقت می‌گذارم.

هاشمی: باید به نسبت فعالیت اجتماعی و درس اندیشید، اما نباید شعار داد. باید کار کرد. کار، انسان را اجتماعی و عینی‌تر می‌کند، اما آرمانگرایی و مطلق‌گرایی انسان را به سرخوردگی می‌کشاند

صادقی: اول باید دید میان آرمان ملی و شرایط صنفی ما چه ارتباطی وجود دارد. آقای فرهاد شیرین کلام کتابی با عنوان «سرمایه‌داری خانوادگی در عصر پهلوی» نوشته شده توسط انتشارات گام‌نو چاپ شده. این کتاب در مورد کارخانجات صنعتی به‌شهر است. در آنجا توضیح می‌دهد که چگونه صاحبان آن مجموعه فرزندانشان را برای تحصیل به خارج فرستادند، با دانشگاه پیوند خوردند و در نهایت الگوی مناسبی از تولید ملی برجای گذاشتند و الگوی اجتماعی این حرکت هم مهندس بازرگان است، اما باید میان این دو هم ارتباط ایجاد کرد. خود من سعی می‌کنم روی الگوهای پاک و خاصی که حسینی گفت به خانواده توضیح دهم، اما ما در دانشگاه چهارسال فعالیت می‌کنیم و بعد بیرون خبری نیست؛ پس انگیزه‌ای هم برای

درس باقی نمی‌ماند. فکر می‌کنم امروز ایجاد کار مشترک بسیار مشکل است. این بی‌آیه‌گی، کار توضیح به خانواده را هم سخت می‌کند. ضمن آن که نگاه به بیرون از ایران را در خانواده‌ها تشدید می‌کند. دانشگاه باید عرصه تمرین باشد، اما امروز در بیرون بازی‌ای برقرار نیست و هرچه هست همان تمرینی است که به خودی خود انگیزه‌ای ایجاد نمی‌کند.

هاشمی: من این مشکل را با عینی‌شدن بیشتر و تأمل غیرروشنفکرانه قابل حل می‌دانم. باید نگاه صنفی - اجتماعی را تقویت کرد. این نگاه تعارضی با خانواده هم ایجاد نمی‌کند و درس را رشد می‌دهد. دست‌کم آسیب‌هایش کمتر است. من آرمانگرا بودم و ناچار از خانواده مخفی می‌کردم و خانواده نمی‌دانست من چه می‌کنم، اما آن آرمانگرایی پس از دانشگاه به منزوی شدن کشیده می‌شود. این ناشی از نگاه روشنفکرانه است. مصداق بارز نگاه روشنفکری، یکی از روزنامه‌نگاران دوره خاتمی است که می‌گفت اگر مرا بگیرند ۵۰۰ هزار نفر مخاطب دارم که برایم تجمع می‌کنند و هزینه می‌دهند، اما او را گرفتند و آب از آب تکان نخورد. تحلیل ایدئالستی ما را به اینجا می‌کشاند که در نهایت همه را کوتوله و ناچیز ببینیم و دچار خودبزرگ‌بینی شویم. این نگاه ما را به انزوا می‌کشد، زیرا اسباب بزرگی ما ذهنی است، اما وقتی به تناسب داشته‌هایمان با جامعه و صنف خود برخورد کنیم، دارای هویت خاص و وزن مخصوص اجتماعی می‌شویم که خانواده هم پذیرای آن می‌شود.

خوانندگان محترم نشریه!

چنانچه مایل باشید مقاله‌های زیر را مطالعه کنید به سایت www.meisami.com مراجعه نمایید:

- رهیافتی نو برای بازارهای مالی / جورج سوروس / ترجمه دکتر کرم میرزایی
- طرح تحول چه سرنوشتی خواهد داشت؟ / عباس عبدی / روزنامه اعتماد ملی (۶ آذر ۸۷)
- اندکی گرانی سپس یارانه نقدی / لطف‌الله میثمی / روزنامه سرمایه (۷ آذر ۸۷)
- چرا ایالات متحده عراق را اشغال کرد؟ / جیمز لوب / برگردان: چشم‌انداز ایران
- مصدق مذاکرات خود با آمریکا و انگلیس را برای مردم روشن می‌کرد / لطف‌الله میثمی / روزنامه سرمایه (۲۰ آذر ۸۷)
- راهبرد مصدق در ملی‌شدن نفت ایران است؛ استراتژی پیروز، شعار محدود و مقاومت نامحدود / لطف‌الله میثمی / روزنامه اعتماد / ۲۴ آذر و ۱ دی ۸۷
- من افسانه هستم / فتانه یعقوبی